



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
یکشنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۱ - ۲۹ جمادی الثانی ۱۴۴۴
سال بیست و چهارم - شماره ۶۶۸۱ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۳۰۰۰ تومان

سر مقاله

حرف خدا بر زمین نماند

یکی از اصلی ترین چالش های مدیریت راهبردی فرهنگی، انتخاب میان نگاه فعال و ابتکاری و یا انفعال و دنباله روی در طراحی ها و برنامه ریزی ها است. مسئله این است که آیا سیاست گذار فرهنگی باید به دنبال تسری یک یا مجموعه ای از «هنجارها



محمدجواد اخوان
مدیرمسئول

در این حوزه فاقد مسئولیت باند و خشتی و یا حتی دنباله رو دیگران باشد؟

هر چند چنین امری در نگاه تربیتی اسلامی تقریباً واضح و مبرهن است، اما لیبرال ها معمولاً سعی می کنند بر ضرورت بی طرفی در مدیریت فرهنگی تأکید نموده و در هنر بیشتر به جای محتوا، قالب را برجسته کنند. اما در واقع خودشان هم در عمل به این ادعا پایبند نیستند. در جهان غرب و بسیاری دیگر از کشورها که لزوماً دینی یا ایدئولوژیک هم نیستند، هنجارها و ارزش های نوشته یا نانوشته وجود دارد که حکومت ها از ترویج آنها حمایت کرده و حتی با تخطی کنندگان از آن برخورد می کنند. اینکه حکومت مروج طیفی از ارزش ها و هنجارها باشد تقریباً جهان شمول است، اما اختلاف بر سر مصداق آن است.

به عنوان نمونه در بیشتر کشورها استعمال مواد مخدر تخلف با جرم و نیز یک ضدارزش است و هیچ کس به نام «زادی» و «حریم خصوصی» از آن نیست که این مواد را در جامعه توزیع و یا در ملاءم مصرف کند. چرا استعمال مواد مخدر برای حکومت های لیبرال و غیر لیبرال عادی انگاری و جزو حقوق طبیعی بشر قلمداد نشده است؟ چرا حکومت های غربی به خود اجازه می دهند در مسیر دسترسی معنادان به مواد مخدر اختلال ایجاد کنند و هیچ کس از روشنفکران در غرب به خاطر این اجبار دولت ها را تقیح نمی کنند؟

گاه گفته می شود چون اکثریت مردم مواد مخدر را قبیح می دانند، بنا بر قاعده دموکراسی این اجبار وضع شده است. اگر این طور است چرا اغلب کشورهای اروپایی از ایالت های آمریکا در برگزاری «فراندمو ماری جوانا» تبعیت نمی کنند و کل آزادی مصاد مخدر در کشورشان را به رأی عموم نمی گذارند؟ مگر نه این است که در بیشتر کشورهای غربی که رفاندومی با این موضوع برگزار شده، آزادی مواد مخدر عمدتاً از صندوق های رأی بیرون آمده است. اگر واقعاً مینا همین باشد اصلاً بعید نیست که چند سال دیگر مواد مخدر کالا در غرب آزاد شود. مثال های دیگری هم هست. یک قرن پیش، قریب به ۱۳ سال شرب خمر در آمریکا ممنوع بود و اکنون یک امر عادی و قانونی است. آن ۱۳ سال با چه مبنایی ممنوع بود و اکنون بر چه اساس مجاز است؟ پاسخ این است: سلیقه انسان.

نکته اصلی این است که آیا سرنوشت مادی و معنوی جامعه بشری به عقل ناقص و در حال تطور افراد معدود سپرده شود یا مبنایی بالاتر از تجربه ضدونقیض بشر در میان باشد. اگر امروزه ها بر اساس سلیقه بشر باشد، نتیجه آن است که در کشورهای غربی حتی کشتن یک انسان هم در قالب سقط جنین قانونی می شود.

در جامعه دینی مبنایی عمیق تر وجود دارد و آن اوامر و نواهی الهی است. روشن است که اینجا منظور محکامات و ضروریات دین است که فرموده اند: «خَلَّالٌ مُحَمَّدٌ خَلَّالٌ أُنْدَا إِلَى یَوْمِ الْقِیَامَةِ وَ خَرَامٌ خَرَامٌ أُنْدَا إِلَى یَوْمِ الْقِیَامَةِ». اگر سلیقه اجتماعی به هر دلیلی آسیب ببیند و ارزش ها دگرگون شوند، هم حلال و هم حرام در جای خود باقی نمی ماند. وظیفه حکومت ترویج دستورات اسلامی و تثبیت آن در جایگاه «معروف» است و جامعه ای که اسلامی است، «حرام» حتی اگر عده ای بدان مبتلا باشند از منکر بودن خارج نمی شود.

هنر دستگاه های فرهنگی، رسانه ای و تبلیغاتی این است که بتوانند جهت گیری صحیح و شریعت پایه را با قالب های متناسب با ذائقه عمومی عرضه کنند. با توجه به بنیان های فطری مفاهیم و گزاره های دینی، اکثریت انسان ها نوعی کشش درونی به سمت این مفاهیم دارند، اما دوری از تربیت دینی یا فاصله گیری از گفتمان توحیدی گاه سبب استبعاد این موضوعات برای برخی شده است.

نکته اصلی آن است که ساختارهای مدیریت فرهنگی و فعالان این حوزه، مبنایی ترسیم شده دینی را برای خود باید حجت تلقی کنند و نباید هجوم خرده فرهنگ های رقیب موجب عقب نشینی آنها شود. اگر ایستادگی بر شاخص های توحیدی و اسلامی با استهزای معارضان دین مواجه می شود نباید تعجب کرد که «ما یأتیهم من ینزل الّا کانوا به ینسئطون». مهم آن است که هوچی گری و اتهام افکنی دشمنان خود نشانه ای از قدرت تأثیر گذاری پیام های دینی و الهی است.

چرا تضعیف رهبری و نیروی نظامی کشور و تخریب جایگاه آنان راهبرد جدید دشمن شد

بازی تضعیف ایران قوی



LEADER IR

غلامرضا صادقیان | سردبیر
تضعیف رهبر و نیروی نظامی هر کشوری، از روس دشمنی های بزرگ تاریخ با ملت ها بوده است. فرهنگ مردمان هر تمدنی در هر نقطه از جهان با هرایدئولوژی و نوع حکومت متفاوت، در زمان قانونگذاری به مسئله با اهمیت «اقتدار رهبری» توجه نشان داده است. گویی متفکران هر قوم با هر نوع حکومتی از سلطنتی تا کمونیستی تا لیبرال دموکراسی، سوسیال دموکراسی یا کشورهای که ملغمه ای از این ها هستند، هم فطرتاً و هم بر اساس استدلال عقلی، اهمیت و ضرورت اقتدار رهبری و آسیب های از دست رفتن این اقتدار و تضعیف رأس کشور را به بدرستی فهمیده اند و در قانون های اساسی به آن جایگاه ویژه داده اند. اکنون پاسخ به این پرسش که «چرا براندازان به دنبال تضعیف رهبری و تضعیف نیروی نظامی کشور هستند؟» آسان تر و قابل تأمل تر خواهد بود.

تضعیف و تخریب رهبر و رأس یک ملت، در مرتبه اول یعنی تخریب همه آن ملت و همه آن فرهنگ و ایدئولوژی حاکم. این یک امر فطری و ذاتی است. مردمانی که رأس یا پادشاه یا رهبر خود را از دست می دهند، احساس بی هویتی می کنند. بی هویت کردن آحاد یک ملت به شکل تک تک، کاری نشدنی یا مستلزم صرف وقت و هزینه بسیار است. شاید بتوان ملتی را به گروه های چندگانه تقسیم کرد و برای هر یک نقشه ای کشید تا هویت خود را تضعیف شده و از دست رفته ببینند اما کار آسان تر و مستقیم تر، تخریب رهبر و رأس آن ملت است. هم تخریب جایگاه و هم تخریب شخص. جایگاه و شخص به هم پیوند خورده است و تخریب هر یک، ویرانی آن دیگری را نیز به دنبال دارد. برای «نابودی ایران» که سنناریوی کشور های غربی است، ضربه مستقیم را باید به رأس آن ملت و نظام وارد کرد. اینکه دشمن در ماه های اخیر و برخی رسانه های فارسی زبان آنها به شکلی کم سابقه یا بی سابقه، تخریب رهبری ایران را آغاز کردند، در همین «تخریب ایران» ریشه داشت. آنها نابودی ایران را می خواهند و این نشدنی است جز با آغاز تخریب و تضعیف جایگاه رهبری. فقط برای مثال باید یادآوری

کرد که بی بی سی فارسی سال ها جز برخی نقدهای یک نویسنده، هیچ مطلبی که توهین آشکار به شخص جایگاه رهبری در ایران باشد، نداشت اما در سناریوی جدید ابلاغی وزارت خارجه انگلیس - البته با خیالی خام و کوتاه بینانه - صفحات این خبرگزاری یکسره با شرم ورت ترین ناسزاها به رهبری و جایگاه آن پرشدا شبکه های فارسی زبان البته نقشه تجزیه و نابودی ایران را به عنوان دستورالعمل دریافت کرده اند و این چیزز بود که در فایل صوتی رننا رحیم پور خیرنگار بی بی سی درباره شبکه لندن - سعودی اینترنشنال بر آن تأکید و تصریح شده بود و بی بی سی فارسی نیز خود از این برنامه مستثنی نبود.

شکستن اقتدار و صلابت رهبری از منظر دیگری نیز برای دشمن یک ملت مورد توجه است. در مرتبه دیگر، هر ملت و هر کشوری در دو برهه زمانی نیاز به قدرت کاریز ماتیک و اقصای رهبری برای عبور از بحران ها دارد. یکی در زمان جنگ و دیگری در زمان سیخ نیروهای داخلی برای مقابله با حوادث طبیعی و اجتماعی و سیاسی. در بیشتر فرهنگ های ملل مختلف از شرق تا غرب جهان به این مهم توجه شده است. اگر شخص و جایگاه رئیس جمهور در امریکا، مهم و توهین به او و تضعیف جایگاه او به شکل گسترده در رسانه ها و افکار عمومی ناممکن است، دلیل اولش همین است که یک رئیس جمهور باید بتواند در زمان جنگ، یک ملت را برای مقابله با دشمنی که به مرزها هجوم آورده است، تشجیع کند و به آنان جرئت و شجاعت بدهد و مردم را تحریک سازد و تحریض و شوق آوری کند و ترغیب را در میان مردم به اوج برساند. ملت هایی که از چنین موهبتی بی نصیب بوده اند، زیر پای دشمن له و خوار شده اند. برای همین در قانون کمونیستی چین ایران بود. او یک رهبر مقبول و دارای کاریزما اما بدون ارتش قوی بود، ارتشی که غافلگیرانه در یک پیچ تاریخی با ارتش مدرن شده بخشی از اروپای صنعتی رویه رو شده بود. گره برخی شجاعت و درایت او مانع از دست دادن بخش های بزرگتری از ایران می دانند اما یک رهبر مقتدر و شجاع و با درایت بدون نیروی نظامی قوی، یک محبوب تنهاست. نمونه های دیگری نیز در تاریخ ایران و جهان قابل مرور است.

در مصیبت هایی از یک بیماری گسترده تا یک بالای طبیعی است. در چنین گردنه هایی نقش افقایی محبوب بود اما چون قدرت نداشت و نیروی نظامی بی جایگزین است و تضعیف رهبری که یک برنامه حساب شده می تواند باشد، همه این گذرگاه ها را زیر نظر می گیرد. سومین مسئله، اهمیت رهبری در هدایت راهبردی و راهبری یک ملت است. در ایران اسلامی، مسئله «ولایت» را داریم اما در بسیاری از فرهنگ ها چه لیبرالی و چه سلطنتی یا سوسیالیستی، همین مسئله ولایت را به اشکال دیگر حتی بسیار جدی تر و محکم تر از مبنایی ولایت در ایران اسلامی، پذیرفته اند زیرا یک ملت بدون داشتن نقشه و راهبرد و برنامه طولانی مدت، میان سددت و کوتاه مدت، کلافی بسز درگم و غلافی بی شمیری و ذراتی پراکنده است که تجسم ناپذیر و تصور ناپذیرند و سرشتن و تضعیف قاعده در آوردن ملت بدون داشتن نقشه و راهبرد و برنامه طولانی مدت، میان سددت و کوتاه مدت، کلافی بسز درگم و غلافی بی شمیری و ذراتی پراکنده است که تجسم ناپذیر و تصور ناپذیرند و سرشتن و تضعیف قاعده در آوردن این ذرات، جز با ابوالگل رهبری ممکن نیست. فرهنگ تکاملی بشری به انسان ها آموخته است که هر گاه فقط دونفر پا در راهی و عرصه ای گذاشتند، باید یکی رئیس از تصدیق می شود. تضعیف جایگاه رهبری، یعنی گرفتن راهبرد و برنامه از یک ملت.



زنانی که تغییر ایدئولوژی را نمی پذیرفتند وادار به خودکشی می شدند

فریبا انیسی در گفت و گو با «جوان»: استدلال سازمان برای وادار کردن آنها این بود که اگر وارد جامعه شوند حتماً از سوی ساواک دستگیر شده و اعضای دیگر را لو می دهند. بنابراین بسیاری از زنان



او از فاتحان بزرگ خرمشهر بود ولی اجازه نداد کسی به زبان بیاورد

رزمندگان لشکر امام حسین (ع) شهید علی موحددوست را به تلاش، شجاعت، تواضع و جنگاوری می شناسند؛ کسی که طی هفت سال جهاد مقدس و با اخلاص تمام از سیستان و بلوچستان و کردستان

شلیک اروپا به پای خودش؟!

اختلاف در میان دولت های اروپایی درباره تروریستی نامیدن سپاه تریدها را در داخل اتحادیه افزایش داده است

«مالیات ضد سوداگری» در آزمون سخت بهارستان

طرح مالیات بر عایدی سرمایه که به منظور مقابله با سوداگری در حوزه های مهم اقتصادی همچون مسکن، طلا، ارز و خودرو از چند سال قبل در مجلس شورای اسلامی مطرح شده، تاکنون به پهنه های مختلف به سرانجام نرسیده است، به زعم خبرگان یکی از ریشه های اصلی به سرانجام نرسیدن چنین طرح مهمی، «تعارض منافع» است

رابطه ملت و سپاه را شناخته اند

قلیایب در دیدار با فرمانده کل سپاه، داعش را جبهه غرب و استکبار پشتیبانی و تجهیز کرد و آن کسی که با تروریسم جنگید و به حضور داعش در منطقه پایان داد، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. این حقیقتی است که اروپا نمی تواند آن را وارونه جلوه دهد، چرا که همه سازمان های بین المللی و افراد منصف به آن اذعان دارند



بازگشت مردم به سینماها یک هفته خوب را رقم زد

بررسی «جوان» از روند روبه گسترش استقبال مخاطبان سینما

گفت و گوی «جوان» با نایب رئیس انجمن داروسازان

تأمین دارو در گرو تأمین بودجه

دکتر علی فاطمی: در طرح دارو باید یکسری پیش بینی هایی صورت می گرفت که اتفاق نیفتاده است. مهم ترین پیش بینی این بود که وقتی از ۴۰۰ تا ۲۰۰ تومانی به از ۲۸ هزار ۵۰۰ تومانی تبدیل می شود، نیاز داروخانه ها برای تأمین مواد اولیه شان شش هفت برابر افزایش می یابد. شرکت باید از کجا این نقدینگی را تأمین کند؟

جای پرافتخار ترین فوتبالیست صاحب جام زندان نیست!

این سرنوشت بازیکن پرافتخاری است که تا دلان خواهد جام کسب کرده و کلکسیون افتخاراتش جایی برای جام های دیگر ندارد. اما وقتی پای قانون و قانون مداری به میان می آید تمام اینها پیشیزی نمی آرد. راستی جای سؤال دارد که چرا کسی برای دنی آرزو هشتگ به راه نمی اندازد که جای بازیکنی با این همه افتخار زندان نیست؟!



اصولباتی

همکار گرامی
جناب آقای
علی پوردهقان

مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوند منان برای جنابعالی و بازماندگان صبر جمیل و برای آن مرحومه رحمت و مغفرت مسئلت می نمایم.

مدیرمسئول و کارکنان روزنامه جوان